

# نگرشی بر فرآیند مشاوره از دیدگاه اسلام

سید احمد احمدی\*

## مقدمه

دین مبین اسلام به مشاوره و مشورت عنایت خاص نموده است. حدیث معروف «لاظهر كالمشاوره»<sup>(۱)</sup> (هیچ پشتیبانی مانند مشاوره نیست) دلیلی بر این مدعاست. اسلام خودرأیی را موجب هلاکت آدمی دانسته و با بیان «من استبد برأیه هلك»<sup>(۲)</sup> (کسی که خود رأی می‌باشد هلاک می‌شود) آدمیان را از این که تنها به نظر خود متکی باشند بر حذر داشته است.

مشاوره از دیدگاه اسلام شرکت در اندیشه دیگران و تبادل افکار است. علی عليه السلام فرمودند که: «من شاور الرجال شارکها فی عقولها»<sup>(۳)</sup>. هر کسی با مردان دارای کمال مشورت کند در عقل آنان شریک شده است.

مشاوره در اسلام محدود به تبادل نظر با دیگران نیست و دامنه وسیعی دارد. این مقاله ضمن بررسی ابعاد مختلف مشاوره



\* - دکتر سید احمد احمدی، مدیر گروه مشاوره و راهنمایی دانشگاه اصفهان.

۱ - نهج البلاغه، ج ۳، ص ۱۶۴. ۲ - غررالحکم، ج ۶، ص ۲۹۶.

۳ - نهج البلاغه، ج ۳، ص ۱۹۳.

و مشورت از دیدگاه اسلام، به تحلیل فرایند مشاوره در مکب اسلام می‌پردازد. از آنجا که اسلام هر آن چه را که حاصل تفکر و اندیشه باشد می‌پذیرد، بنابراین اگر یافته‌ای حاصل کار دانشمندان رشته مشاوره باشد و براساس تحقیق و به دور از غرض ورزی به دست آید بر آن صحه می‌گذارد.

### مشاوره در اسلام

مشاوره در اسلام در سه معنا به کار رفته است: اول به معنای مشورت در امور شخصی. در این معنا به آدمیان توصیه می‌شود تا در مسائل شخصی با صاحب‌نظران مشورت نمایند و از تجربه آنان استفاده کنند. فردی از پیامبر اسلام ﷺ سؤال می‌کند که «مال‌الحزم؟»، محکم کاری چیست؟ فرمودند: «تشاوری امرأ اذا رأی ثم تطیعه»<sup>(۱)</sup> محکم کاری عبارت است از این که با شخصی صاحب‌رای و با تدبیر مشورت نمایی و از او اطاعت کنی.

در حدیث دیگر رسیدن به کمال و رشد را مبتنی بر مشاوره می‌داند و می‌گوید: «ما من رجل یشاور احداً هدوا الی الرشده»<sup>(۲)</sup>. هر فردی که با دیگری مشورت نماید به رشد و کمال خویش رهنمون می‌شود.

مشاوره در معنای دوم به مفهوم نظرخواهی از دیگران برای تصمیم‌گیری‌های مهم اجتماعی و سیاسی آمده است، زیرا توجه به آراء و نظر دیگران در برخورد با مسایل مهم اجتماعی و سیاسی مورد حمایت و عنایت اسلام بوده است. آیه شریفه «وشاورهم فی الامر»<sup>(۳)</sup> در کار مهم با مؤمنین مشورت نما، خطاب به پیامبر اسلام است تا در مسایل مهم آراء مؤمنین را جویا شود. از پیامبر اسلام در زمینه عزم و تصمیم‌گیری سؤال شد فرمودند: «مشاوره اهل‌الرأی ثم اتباعهم»<sup>(۴)</sup>، تصمیم‌گیری عبارت است از مشاوره با صاحبان اندیشه و پیروی از آنان. علی‌علیه فرمودند که «اضربوا بعض‌الرأی ببعض یتولد منه الصواب»<sup>(۵)</sup>، برخی آراء را با دیگری جمع کنید تا از جمع آنها خیر و صواب به دست آید. همچنین می‌فرمود که «من استقبل وجوه‌الاراء عرف مواقع‌الخطاء»<sup>(۶)</sup>، هرکسی از آراء مختلف استقبال و به آنها توجه کند موارد اشتباه را می‌شناسد، در نتیجه در تصمیم‌گیری کمتر دچار اشتباه می‌شود. نیز آن حضرت می‌فرمود که «لارأی لمن انفرد برأیه»، کسی که به تنهایی تصمیم بگیرد تصمیم و نظر خوبی نداشته است.

سوم، مشاوره به معنای کمک به حل مشکلات. احادیثی از قبیل «لاظهر كالمشاوره ولايستغنى العاقل عن المشاور»<sup>(۷)</sup>، هیچ پشتیبانی چون مشاوره نیست و خردمند



بی‌نیاز از مشاوره نیست و «المشاور، راحة لک و تعب لغيرک»<sup>(۸)</sup>.

بررسی مقالات و کتابهای منتشر شده نشان می‌دهد که مشاوره در معنای اول و دوم یعنی مشورت در امور شخصی و مشاوره برای تصمیم‌گیری، به صورت اجمالی مورد بحث قرار گرفته است. آن چه کمتر مورد امان نظر بوده مشاوره در معنای سوم است. در این معنا بیشتر به فرایند مشاوره یعنی کمک به حل مشکلات توجه می‌شود.

### فرآیند مشاوره از دیدگاه اسلام

مشاوره در معنای کمک به حل مشکلات شامل سه فرایند است. اول ایجاد رابطه دوستانه بین مشاور و مراجع. این رابطه، به منظور تبادل نظر ایجاد می‌شود. دوم، طرح مشکل از طرف مراجع و شناخت و ارزیابی آن به وسیله مشاور و سوم کمک تخصصی برای حل مشکل مراجع، ابتدا باید رابطه دوستانه بین مشاور و مراجع به وجود آید آنگاه به بررسی و شناخت مشکل مراجع منجر شده و سپس نسبت به ارائه راه‌حل

۱- وسائل، ج ۸، ص ۴۲۴. ۲- مجمع البیان، ج ۹، ص ۳۳.

۳- سوره آل عمران، آیه ۱۵۹. ۴- تفسیر ابن کثیر، ج ۱، ص ۴۲۰.

۵- غرر و دررالحکم، ج ۲، ص ۲۶۶.

۶- نهج البلاغه، ص ۱۱۶۹. ۷- غرر، ج ۶، ص ۳۸۹.

۸- غرر، ج ۲، ص ۶۶.



مناسب اقدام شود.

در متون اسلامی اشارات و رهنمودهایی در هر سه فرایند

مشاوره وارد شده است:

اول: در زمینه برقراری رابطه دوستانه بین طرفین شورا هر رابطه‌ای در اسلام باید با سلام که نشان از ارائه ادب و امید بر سلامتی است شروع شود. قرآن مجید با بیان «فإذا دخلتم بيوتاً فسلموا»<sup>(۱)</sup>، سلام را برای ورود به خانه لازم دانسته است. وقتی فرعون سرکشی کرده و به طاغوت بدل شده است به موسی و هارون دستور می‌رسد تا با فرعون صحبت کنند و در واقع به حل مشکل او کمک کنند ولی در گفته خود، «فقل لا له قولا لينا لعله يتذكر او يخشى»<sup>(۲)</sup>، با گفتاری نرم یا او صحبت کنید تا شاید یادآور شود و متذکر گردد یا در او خوف و خشیت از خداوند به وجود آید. در پیش گرفتن رویه‌ای آرام و مبتنی بر گفتار نرم از سوی حضرت موسی و هارون فضا و رابطه مناسب را به وجود می‌آورد. قرآن مجید با خطاب به پیامبر اسلام ﷺ می‌گوید که: «فما رحمة من الله لنت لهم ولو كنت فظا غليظ القلب لانفضوا من حولك»<sup>(۳)</sup>، از رحمت خدای بر تو این است که با مسلمانان نرم‌خو باشی و اگر خشن بودی از گرد تو پراکنده می‌شدند. نرمی گفتار و رحمت رفتار پیامبر اسلام مردم را مجذوب ایشان می‌کند. در اسلام دعوت و فراخوان باید بر مبنای حکمت و پند نیکو باشد. «ادع الی سبیل ربک بالحکمة و الموعظة الحسنة»<sup>(۴)</sup>، دعوت کن به راه خدا بر اساس حکمت و پند نیکو. در ادامه آیه می‌فرماید «وجادلهم بالتي هي احسن» بحث و تبادل نظر باید در مورد آن چه بهترین است باشد و از گفتگو و بحث در مورد موضوع‌هایی که ارزش ندارد باید دوری گزید. در مجموع از ارائه این گونه مطالب در احادیث و آیات می‌توان برخوردار

ملايم توأم با احترام و همراه با دانش و حکمت در بستری با ارزش را استنباط کرد و طبعاً رابطه مشاوره‌ای باید رعایت شود. دوم، در زمینه مشکلات مراجع، از نظر اسلام اشکال انسان بیشتر به دور شدن از فطرت انسانی و جدایی از بهشت الهی است. آن چه آدمی را به ورطه سقوط و گرفتاری می‌اندازد دور شدن از خداوند و پیروی از هوای نفس و حرکت در مسیر شیطان است، آری آدمی خلقتی خداگونه دارد و اگر اوصاف خداوندی را در خود پیروانند، به کمال می‌رسد و جاودانه می‌شود اما نفس آدمی او را به بدی می‌کشاند چه «ان النفس، لامارة بالسوء الامارحم ربی»<sup>(۵)</sup>، نفس بسیار انسان را به بدی می‌کشاند مگر آن که رحمت خداوند شامل شود. وقتی آدمی اسیر نفس شد از خداوند غافل می‌شود آنگاه مشمول این آیه می‌شود که «من اعرض عن ذکری فان له معیشة ضنکاً»<sup>(۶)</sup>، هرکس از یاد من غافل شود، زندگی سختی خواهد داشت.

طبیعت وجودی انسان رنگ خدایی دارد و چون خداوند خیر محض است آدمی هم موجودی است دارای خیر که در جهت صلاح حرکت می‌کند، اگر آدمی مسیر تعیین شده به وسیله خداوند را پیماید باعث خیرات می‌شود. متأسفانه آن چنان شهوات و خواسته‌ها بر انسان غلبه می‌کنند که چشم و گوش او را می‌بندند و به تعبیر قرآن کر و کور می‌شود و در وادی غفلت و بی‌خبری می‌افتد و چنین فردی سرکش و طاغی به پیش می‌تازد.

معیار شناخت مشکل آدمی، نزدیکی و دوری آنان از خداوند و الزام آنان به عمل به احکام دین و توجه آنان به فرامین پیامبر اسلام و ائمه طاهرين عليهم السلام است. در اسلام، میزان قرآن و سنت است و رفتار انسان‌ها با آن سنجیده می‌شود. صفاتی که آدمی را گرفتار می‌کند شامل عجب، تکبر، حسد، کینه، طمع و ... انواع اوصافی است که جلو عقل و اندیشه آدمی را گرفته و مانند پرده‌ای چشم او را می‌پوشاند و گوش او را کر می‌کند و به تعبیر قرآن «او کصیب من السماء فيه ظلمات و رعد و برق يجعلون اصابعهم فی اذانهم من الصواعق حذر الموت»<sup>(۷)</sup>، ابری تیره همراه با تاریکی و رعد و برق که آسمان فکر و اندیشه آنان را می‌پوشاند و آنان از ترس مرگ انگشتان

- ۱- سوره نوره، آیه ۶۱.
- ۲- سوره طه، آیه ۴۴.
- ۳- سوره آل عمران، آیه ۱۵۹.
- ۴- سوره نمل، آیه ۱۲۵.
- ۵- سوره یوسف، آیه ۵۳.
- ۶- سوره طه، آیه ۱۲۴.
- ۷- سوره بقره، آیه ۱۹.

خود را به گوش خود می‌برند. فضای گناه و آلودگی چنین است که انسان تشخیص خوبی و بدی را نمی‌دهد و به صورتی وحشت زده و مضطرب زندگی را سپری می‌نماید.

اگر جامعه هم از اسرار و ضوابط الهی عدول کند به تباهی می‌افتد. عواملی از قبیل: ۱- سرپیچی از فرمان الهی، ۲- فسق و فجور، ۳- ظلم و ستم، ۴- استکبار، ۵- استضعاف، ۶- اسراف، ۷- تکذیب، ۸- فساد، شیرازه اجتماعی را از هم می‌پاشد و باعث ایجاد مشکلات و معضلات می‌شود. فرد و جامعه اگر آلوده شوند به سختی و سرگردانی و تباهی می‌افتند. مشاور در اسلام باید به ریشه‌های مشکلات از بعد معنوی و اجتماعی نگاه کند و ببیند که تا چه اندازه آدمیان از خود بی‌خود شده، و از خدا دور گشته‌اند و به هوای نفس و شهوات گرفتار آمده‌اند و از فرامین الهی عدول کرده و دچار ظلم، فسق و اسراف و فساد شده‌اند.

سوم، در زمینه ارائه راه حل برای مشکلات، اسلام بازگشت آدمی به فطرت خویشتن و حرکت او به سوی خداوند و عمل به فرامین الهی را طریق حل مشکلات آدمیان می‌داند. در اسلام ایمان بسان عامل حرکت، اعتقاد به عنوان شناخت موارد، اقرار به مثابه بیان موضوع و عمل به عنوان تحقق موارد فوق مورد توجه قرار گرفته است. روش‌های برخورد با مشکلات در اسلام را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد.

دسته اول: روش‌های پیشگیرانه است، این روش‌ها بر این اساس است که زمینه مناسب را برای پیشگیری از مشکلات تأمین کند. رهیافتهای پیشگیرانه در اسلام شامل روش‌های زیر است: ۱- خداشناسی و توجه به مبدأ وجود، ۲- خودشناسی و کسب معرفت وجودی، ۳- شناخت جهان اطراف، ۴- توجه به هدف خلقت، ۵- آراسته کردن خود به تقوی، ۶- التزام عملی به فرایض، ۷- شناخت و بهره‌وری از نعمت‌های خدادادی، ۸- الگوپذیری از پیامبران و اولیاء، ۹- توجه به سرگذشت ملل و عبرت آموزی، ۱۰- عنایت به خیر خویش و مردم، ۱۱- مسئولیت‌پذیری، ۱۲- توجه به سیرالی الهی.

دسته دوم، روش‌های مبتنی بر اصلاح رفتار است، اسلام در زمینه اصلاح رفتار عنایت خاص نموده است تا خطا و اشتباه به صورت ملکه تجلی نکند لذا پس از انجام خطا توصیه کرده است که فرد توبه و بازگشت نماید و به جبران آن چه از دست داده اقدام کند. انسان در اسلام مشمول اشتباه خویش است، حتی به تعبیر قرآن اگر گناه را به شیطان هم نسبت دهد و او را ملامت کند در پاسخ می‌گوید: «فلا تسلومونی ولوموا انفسکم»<sup>(۱)</sup>، مرا ملامت نکنید و خود را سرزنش نمایید و به عبارت دیگر، می‌گویید خود شما مشمول خطاکاری خویش

هستید، یأس در اسلام جایی ندارد، انسان باید امیدوار به رحمت خداوند باشد و در جهت اصلاح خویش گام بردارد. آن چه مهم است بازگشت واقعی و رجوع حقیقی به خداوند است و این کار در صورتی حاصل می‌شود که «و من تاب و امن و عمل صالحاً ثم اهتدی»<sup>(۲)</sup>، بازگشت صورت پذیرد، ایمان و عامل حرکت در فرد ایجاد شود، با عمل صالح نشانه‌های بازگشت بروز نماید و شخص در مسیر الهی گام بردارد. برقراری نظام عقاب و پاداش از مسائلی است که برای اصلاح رفتار در اسلام در نظر گرفته شده است. پاداش‌ها از رضایت درونی تارضای خداوندی گسترده است و عقاب‌ها از سرزنش درونی تا کیفر اخروی را شامل می‌شود. اصلاح تغییر رفتار در اسلام از اصلاح اجتماع که به ضرورت در فریضه امر به معروف و نهی از منکر جلوه می‌کند تا جلوگیری از فساد و تباهی را شامل می‌شود.

تغییر در برداشت‌ها و توجه به ابعاد معنوی انسان که به صورت عرفان جلوه‌گر است و آدمی را از تنگنای تن پرستی دور می‌سازد و او را به سوی خداوند می‌کشاند از روش‌های مؤثر برای اصلاح خود در اسلام است. عرفان اسلامی ضمن عدم توجه به مادیات، فرد را از جمع دور نمی‌کند و به انزوا نمی‌کشاند بلکه او را فردی وارسته و شایسته برای حرکت در مسیر خودشناسی و خداشناسی و خدمت به خلق به پیش می‌برد.

دسته سوم، روش‌های مبتنی بر رشد کمالات است. توجه به آخرت و سیر در جهت کمال در این رهیافت مدنظر می‌باشد، در اسلام آن چه را که اصطلاحاً یأس فلسفی می‌گویند وجود ندارد. فرد مسلمان به سمت خدا در حرکت است، آیه «الا الله اله تصیر الامور»<sup>(۳)</sup>، آگاه باشید که بازگشت همه کارها به خداست و آیه «انالله و انالیه راجعون»<sup>(۴)</sup>، ما از خداییم و به سوی او باز می‌گردیم، انتهای حیات و زندگی را روشن می‌سازد. وقتی انسان به سوی خدا حرکت کند از همه نیروها و استعدادهای خود استفاده نموده و شکر این قسمت‌ها را به جا می‌آورد. کمال انسان به علم و دانش و مجاهدت در راه خدا و کسب رضای اوست. آگاهی و دانایی و تلاش برای دستیابی به قرب الهی زندگی را متحول ساخته و به انسان روحیه رضا و اطمینان می‌بخشد و همین روحیه می‌تواند بسیاری از مشکلات مخصوصاً افسردگی‌ها را حل نماید.

۱- سوره ابراهیم، آیه ۲۱. ۲- سوره طه، آیه ۸۲.  
۳- سوره شوری، آیه ۵۳. ۴- سوره بقره، آیه ۱۵۶.